



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه روابط بین الملل

## پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته مطالعات منطقه ای (اروپا)

جایگاه اروپا در ناتو پس از حوادث یازده سپتامبر (دوره جورج دبلیو بوش)

**The place of Europe in NATO since the events of eleven September in the  
United States of America (era of Gorge.walker.Bush)**

استاد راهنما

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

استاد مشاور

دکتر حسین دهشیار

دانشجو

سیاوش سعیدی

ورودی ۱۳۸۶

نگارش: اردیبهشت ۱۳۸۹

## فهرست مطالب

صفحه	
۵	<b>فصل اول: مقدمه</b>
۵	۱- بیان مسأله
۶	۲- سؤال و فرضیه
۷	۳- پیشینه تحقیق
۱۰	۴- اهداف و ضرورت‌های پژوهش
۱۰	۵- تعریف مفاهیم
۱۲	۶- روش پژوهش
۱۳	۷- مشکلات و موانع تحقیق
۱۳	۸- سازماندهی تحقیق
۱۵	<b>فصل دوم: چهارچوب نظری نواقع گرایي</b>
۱۵	۱- خاستگاه نواقع گرایي
۲۰	۲- علل پیدایش نواقع گرایي
۲۲	۳- اصول نواقع گرایي
۲۳	۴- ساختار گرایي نواقع گرایي
۳۰	۵- جایگاه اتحادها و ائتلافها
۳۳	<b>فصل سوم: روابط فراآتلانتیک</b>
۳۳	۱- روابط فراآتلانتیک قبل از یازده سپتامبر

۳۴	۱-۱- شکل گیری ناتو (۱۹۴۷-۵۷)
۳۷	۱-۲- بروز چالش در هژمونی آمریکا (۱۹۵۷-۶۸)
۳۹	۱-۳- بروز اختلاف نظر در دو سوی آتلانتیک بین اروپا و آمریکا (۱۹۶۸-۸۹)
۴۱	۲- روابط فراآتلانتیک پس از حوادث یازده سپتامبر
۴۳	۲-۱- تفاسیر فراآتلانتیکی از مسوولیت‌های جهانی
۴۵	۲-۲- تفاسیر فراآتلانتیکی از تهدیدات جهانی
۴۸	۲-۳- تفاسیر فراآتلانتیکی از ابزارهای مورد نیاز برای برخورد با چالش‌های جهانی
۵۳	۲-۴- شکاف‌های فراآتلانتیکی
۶۲	۲-۵- سیاست‌های فراآتلانتیکی پس از یازده سپتامبر (سیاست پیشدستی آمریکا، ابزارهای سه گانه اروپا)
۷۱	۲-۶- ریشه یابی علل اختلاف نظر آمریکا و اروپا بر سر جایگاه اروپا در ناتو
۷۶	۲-۷- موارد اختلاف اروپا و آمریکا در ارتباط با ناتو
۷۹	<b>فصل چهارم: تأثیر یک جانبه گرایی آمریکا بر جایگاه اروپا در ناتو</b>
۷۹	۱- شاخص‌های یک جانبه گرایی آمریکا در دوره جورج دبلیو بوش
۸۱	۲- اقدامات آمریکا در راستای یک جانبه گرایی
۸۲	۲-۱- خروج از معاهده موشک‌های ضد بالستیک
۸۳	۲-۲- برخورد با کوانسیون سلاح‌های بیولوژیک
۸۴	۲-۳- برخورد با کوانسیون سلاح‌های شیمیایی
۸۵	۲-۴- برخورد با پرونده هسته ای ایران
۸۶	۳- علل سیاست یک جانبه گرایی آمریکا
۸۷	۳-۱- وجود توجیهات تئوریک

- ۸۹- ۳-۲- کم توجهی به دیپلماسی در سیاست خارجی در دولت بوش
- ۹۰- ۳-۳- عدم اعتقاد نو محافظه کاران به سودمندی اتحادها
- ۹۲- ۳-۴- وجود بهانه هایی برای یک جانبه گرایی
- ۹۶- ۳-۵- حاکم بودن رویکرد نو محافظه کاری (بین الملل گرایی تهاجمی)
- ۹۶- ۳-۶- ناسیونالیسم و ایده استثناء گرایی آمریکا
- ۹۸- ۳-۷- مجتمع های نظامی صنعتی قدرتمند موجود در آمریکا
- ۹۸- ۴- نقش اروپا در سوق یافتن آمریکا به سوی یک جانبه گرایی
- ۹۹- ۴-۱- چند جانبه گرایی اروپا
- ۱۰۴- ۴-۲- موازنه نرم
- فصل پنجم: تأثیر عضویت اروپای مرکزی و شرقی در اتحادیه اروپا بر کاهش جایگاه اروپادرناتو ۱۱۰**
- ۱۱۱- ۱- نقش آمریکا در گرایش کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به ایالات متحده
- ۱۱۳- ۱-۱- سیاستهای جانبی آمریکا برای گسترش اتحادیه اروپا به شرق
- ۱۱۴- ۱-۲- ایجاد مانع در برابر استقلال سیاسی اروپا
- ۱۱۷- ۱-۳- ائتلافهای موردی به جای ناتو
- ۱۱۹- ۱-۴- مفهوم سازی دوباره پیمانها
- ۲- پیوستن کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به ناتو و تأثیر آن بر همگرایی این کشورها با ایالات متحده
- ۱۲۲- آمریکا
- ۱۲۲- ۲-۱- ورود اروپای جدید به ناتو، ایجاد موازنه
- ۱۲۴- ۲-۲- گسترش ناتو به شرق، تثبیت هژمونی آمریکا، امتیاز گیری روسیه، زیان اروپای قدیم

- ۳- پیوستن کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به اتحادیه اروپا و تأثیرات آن بر همگرایی این کشورها با ایالات  
متحده آمریکا ۱۲۶
- ۳-۱- الزامات کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در نزدیکی به آمریکا ۱۲۷
- ۳-۲- همگرایی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با آمریکا در عمل ۱۳۱
- ۳-۳- واگرایی در اتحادیه اروپا ۱۳۵
- فصل ششم: کاهش نقش اروپا در ناتو پس از حادثه یازده سپتامبر ۱۴۰**
- ۱- راهکارهای اروپایی ۱۴۲
- ۱-۱- شرط گذاری سیاسی ۱۴۲
- ۱-۲- توسعه اقتصادی ۱۴۲
- ۱-۳- مبادلات فراملی ۱۴۳
- ۲- ناتو پس از یازده سپتامبر ۱۴۵
- ۳- کاهش نقش اروپا در عملیات خارج از محدوده ۱۴۸
- ۳-۱- تردیدهای آمریکا نسبت به اروپا ۱۴۸
- ۳-۲- تقسیم وظایف بین اروپا و آمریکا ۱۵۳
- ۴- کاهش نقش اروپا در تصمیم سازی ۱۵۹
- ۴-۱- شکاف بین تواناییهای اروپا و انتظارات از اروپا ۱۵۹
- ۴-۲- تأثیر هژمونی آمریکا بر کاهش نقش اروپا در تصمیم سازی ۱۶۳
- ۴-۳- تأثیر حاکمیت ملی در کاهش نقش اروپا در تصمیم سازی ۱۶۴
- ۵- کاهش نقش اروپا در عملیات صلح بانی ۱۶۶
- ۵-۱- صلح بانی در افغانستان ۱۶۶

۱۶۸	۲-۵- صلح بانی در دارفور سودان
۱۶۹	۳-۵- صلح بانی در عراق
۱۷۰	۴-۵- صلح بانی در بوسنی
۱۷۳	<b>نتیجه گیری</b>
۱۷۵	<b>فهرست منابع</b>

## فصل اول

### مقدمه

#### ۱- بیان مسأله

ناتو، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی<sup>۱</sup> سازمانی است که پس از جنگ جهانی دوم برای دفاع از اروپا و حفظ امنیت آن در برابر اتحاد جماهیر شوروی پایه گذاری شد. پس از فرو پاشی شوروی با از بین رفتن خطر جنگ هسته ای، اروپا کم کم به این فکر افتاد که از وابستگی خود به ناتو برای حفظ امنیت بکاهد و یک سیاست امنیتی و دفاعی مستقل را طراحی کند که از زیر نفوذ رهبری آمریکا در مساله امنیت بیرون آید. ولی طولی نکشید که با رخداد بی سابقه و کم نظیر انهدام برجهای دوقلوی ساختمان سازمان تجارت جهانی در نیویورک و ضربه شدید امنیتی به آمریکا متحد استراتژیک اروپا اوضاع دگرگون شد. در اثر این حادثه مفهوم امنیت از بازدارندگی هسته ای به مسایل جدیدی نظیر تروریسم، خطر اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، حقوق بشر و مسایل جهان اسلام دچار تحول شد. همچنین با ناکام ماندن سیاست امنیتی و دفاعی مستقل اروپا به دلیل مسایلی از قبیل رهبری و بودجه این طرح و نهایتاً تحول مفهوم امنیت از بازدارندگی هسته ای که همگی در ارتباط با امنیت اروپا قرار می گیرد، شاید بتوان گفت که اروپا حداقل تا دستیابی به یک سیستم امنیتی و دفاعی مستقل اروپایی به تداوم حضور

---

۱- North Atlantic Treaty Organization

در ناتو تکیه بر آن به عنوان ابزار دفاعی محکوم شد. ولی با اتخاذ سیاست یکجانبه گرایی آمریکادر دوره بوش پسر در صحنه جهانی و پذیرش عضویت کشورهای آمریکا گرای اروپای شرقی در اتحادیه اروپا، چگونگی و میزان نقش اروپا در ناتو در مقایسه با دوره پیش از حوادث یازده سپتامبر مورد پرسش قرار گرفته است. به عبارت دیگر پرسش این نوشتار این است که جایگاه اروپا در ناتو پس از حوادث یازده سپتامبر چه تغییری کرده است که در این تحقیق با فرض گرفتن تضعیف و کاهش این نقش به آن پرداخته خواهد شد.

در این تحقیق یکجانبه گرایی آمریکا و عضویت کشورهای آمریکا گرای اروپای شرقی در اتحادیه اروپا به عنوان متغیر مستقل و جایگاه اروپا در ناتو پس از حوادث یازده سپتامبر به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

شاخصهای مورد نظر در این تحقیق نیز عبارتند از، کاهش نقش اروپا در عملیات خارج از محدوده، کاهش نقش اروپا در عملیات صلح بانی و فرایند صلح سازی و کاهش نقش اروپا در تصمیم سازی.

## ۲- سؤال و فرضیه

تضاد، تعارض، منازعه و کشمکش از موضوعات روابط بین الملل محسوب می شود. با این فرض تحقیق حاضر به بررسی جایگاه اروپا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویورک می پردازد.

سؤال:

آیا جایگاه اروپا در ناتو بعد از حوادث یازده سپتامبر کاهش یافته است؟

فرضیه:

با توجه به تفاوت موجود در راهبردهای کلان اعلانی اروپا و ایالات متحده آمریکا پس از حوادث یازده سپتامبر که بر آن اساس اروپا دلمشغولیهای منطقه ای و آمریکا دلمشغولیهای جهانی را سرلوحه اقدامات خود قرار می دهند و شکافهای بودجه ای و تکنولوژیکی بین این دو، این کاهش جایگاه مشهود است. از سوی دیگر گرایش آمریکا به یک جانبه گرایی و ورود کشورهای اروپای مرکزی و شرقی طرفدار آمریکا به ناتو و اتحادیه اروپا، که همزمان با نخستین مأموریت‌های فرمانطقه ای ناتو بود، به کاهش جایگاه اروپا در تصمیم گیریها و عملیاتهای ناتو دامن زد.

### ۳- پیشینه تحقیق

در باره پیشینه موضوع بررسی کاهش نقش اروپا در ناتو پس از حوادث یازده سپتامبر نگارنده مطلب خاصی با همین عنوان پیدا نکرد ولی در همین رابطه به منابع گوناگونی دست یافت. این منابع به دو دسته کلی تقسیم می شوند.

- دسته اول منابعی که از منظری تاریخی تحلیلی به بررسی روابط فراآتلانتیکی اروپا و ایالات متحده آمریکا پرداخته اند. از جمله کتاب آمریکا و ناتو نوشته بهادر امینیان که به مراحل شکل گیری ناتو و عوامل مؤثر در جایگاه هر یک از دو سوی آتلانتیک پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر در ناتو اشاره کرده است. مقاله ناتو و جامعه امنیتی فراآتلانتیک نوشته اوا آلیسون ترجمه سید عبدالحسین حجت زاده با پرداختن به تقسیم مسؤولیتها در ناتو بین اروپا و آمریکا به این موضوع اشاره دارد که اروپا نسبت به آمریکا انعطاف بیشتری برای کنار آمدن با موضوعات غیر نظامی از خود نشان می دهد و علاوه بر آن آمریکا هم با انتقاد از بازدارندگی هسته ای مستقل اروپا سعی در کاهش نقش آفرینی اروپا دارد. مقاله آینده جامعه دفاعی فراآتلانتیک نوشته جین پائول بچت و فلیکس روهاتین ترجمه پریسا کریمی نیا با بیان تفاوت نظر اروپا با آمریکا بر سر جنگ با تروریسم، همراه شدن شکاف دیدگاه در دو سوی



آتلانتیک با شکاف تکنولوژی بین آنها، میل آمریکا به یک جانبه گرایی، اختلاف در تاکتیکهای دو طرف، قابلیت کم دفاعی و فقدان نگرش استراتژیک و مسئولیت پذیری اروپایی، به تحلیل روابط فراآتلانتیکی اروپا و آمریکا می پردازند. شکل گیری ساختار دفاعی فراآتلانتیک که مقاله دیگری از همین نویسندگان و ترجمه مهدی کرکی است با تمرکز به بررسی هزینه های دفاعی آمریکا و اروپا و اشاره به ضعف اروپا در بودجه دفاعی نسبت به آمریکا، به شکل دقیق تری نشان دهنده تفاوت های موجود بین اروپا و آمریکاست. مقاله آمریکا و اروپا رویارویی یا تعامل نوشته امانوئل والرشتاین ترجمه یوسف عزیزی بنی طرف هم که ورود کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا را امتیازی برای آمریکا می داند در این دسته جای می گیرد. او با نگاهی به تاریخچه تعامل آمریکا و اروپا معتقد است یکی از هدف های بنیادی سیاست خارجی آمریکا حفظ وابستگی شدید اروپای غربی و بخشی از منابع ژئوپلیتیک و استراتژیک آن بوده است. در همین رابطه در تحلیل همگرایی کشورهای اروپای مرکزی و شرقی با ایالات متحده، ژانوس بوگاجسکی و لونا تلکی در مقاله ای با عنوان متحدین جدید واشینگتن شرکای موقت یا دائم، به این مسأله می پردازند که کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که اعضای جدید اتحادیه اروپا و ناتو می باشند، بر این اعتقادند که اروپا باید ناتو را آنطور که ایالات متحده می خواهد تکمیل کنند.

- دسته دوم آثاری هستند که از منظر سیاست یک جانبه گرایی ایالات متحده آمریکا و استراتژیهای کلان اروپا و آمریکا را که نهایتاً نشان دهنده جایگاه دو سوی آتلانتیک در ناتو می باشد، مورد مطالعه قرار داده اند. مقاله آمریکا و جهان پس از ۱۱ سپتامبر، نوشته کالین پاول ترجمه حسن هاشمیان به عوامل مؤثر در شکل گیری استراتژی یک جانبه گرایی آمریکا می پردازد. ریچارد جانسون در مقاله راههای دفاع از زندگی با تحلیل محتوای سخنرانیهای جورج بوش و تونی بلر با استفاده از عناوینی چون "حمله" و "تروریسم" به بررسی جنبه های یک جانبه گرایانه تصمیمات بوش می پردازد. مقاله سیاست

خارجی بدون دیپلماسی نوشته استفانو گزینی با بررسی ویژگیهای فضای امنیتی دوره جورج بوش به بیان این مطلب می پردازد که سیاست خارجی بوش با انتخاب استراتژی ویژه جنگ سرد یعنی اتکا به برتری و تکیه صرف به قدرت نظامی از فروگذاری دیپلماسی رنج می برد و این تلقی که دیگر کشورها در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا اشیاء محض هستند روشنگر جنبه های سیاسی یک جانبه گرایی آمریکا است.

در همین دسته طیف دیگر منابعی هستند که به بررسی استراتژی های کلان اروپا و ایالات متحده آمریکا می پردازند که با تدقیق در تفاوت های این رهیافتها که هر کدام در عرصه عمل نتایج خاص خود را به دنبال دارند، برخی دیگر از علل اختلاف در جایگاه هر یک از دو طرف آتلانتیک در ناتو نمودار می شود. در این راستا مقاله طرحی از شکاف فکری: مقایسه راهبردهای آمریکایی و اروپایی نوشته فیلیکس سباستین برنسکاتر با ملاک قرار دادن دو سند کلیدی جدید مشهور به استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا و استراتژی امنیتی اروپایی به بررسی و مقایسه سیاستها و مواضع دو طرف در سه حوزه مسئولیتهای جهانی، تهدیدات جهانی و ابزارهای مورد نیاز برای برخورد با چالشهای جهانی پرداخته است. در حوزه مسئولیتهای ایالات متحده با پذیرفتن مسئولیتی جهانی برای خود از یک نظم لیبرال، کرامت انسانی و حفظ هژمونی ایالات متحده دفاع می کند. در صورتی که اروپا با پذیرفتن مسئولیتی منطقه ای برای خود از یک نظم چندجانبه، ثبات در اروپا و حفظ اعتبار اروپا (و نه هژمونی اروپا) دفاع می کند. در بخش تهدیدات آمریکا تروریسم سلاحهای کشتار جمعی، دولتهای یاغی و تنش در جهان اسلام را تهدید می شمارد در صورتیکه اروپا منازعات و جنگها، اشاعه سلاحهای کشتار جمعی و دولتهای ورشکسته (و نه یاغی) را تهدید تلقی می کند. در بخش ابزارها ایالات متحده بر نظامی گری، جنگ پیشگیرانه و قیمومیت ایالات متحده آمریکا تأکید دارد در صورتیکه اروپا بر ابزارهای عمدتاً مدنی، جلوگیری از ستیزه ها و رژیمهای بین المللی تأکید دارد. مقاله ارتقاء دموکراسی اروپایی در همسایگی اروپا نوشته فرانک شیمل فینگ و هانوشولتر به تبیین نقش هنجاری اروپا و نقش نظامی آمریکا می پردازند. آنها با استفاده از عنوان

هویج و چماق به مقیسه سیاست آمریکا و اروپا می پردازند به این ترتیب که اروپا سعی می کند با سه مکانیزم شرط گذاری سیاسی، توسعه اقتصادی و مبادلات فراملی که بر پیشرفت روند دموکراسی دارای تأثیرات مثبتی می باشد وارد تعامل با دیگر کشورها شود. به عبارت دیگر اروپا همیشه هویجهای زیادی پیشکش می کند و دریغ می دارد اما هیچگاه یک چماق بزرگ بر نمی دارد در صورتیکه آمریکا از هویج کوچکتر و چماق بزرگتر استفاده می کند.

در مجموع می توان گفت برخی از منابع به شکلی مستقیم و مؤثر بحث کاهش جایگاه اروپا در ناتو بعد از ۱۱ سپتامبر را مورد بررسی قرار داده است و تقریباً به جز اندکی از منابع اکثر آنها به نوعی در اثبات فرضیه تحقیق دارای نقش می باشند.

#### ۴- اهداف و ضرورت‌های پژوهش

بررسی موضوع این تحقیق از دو بعد دارای اهمیت است. نخست از بعد علمی، برای روشن شدن نقش آفرینی کشورهای اروپایی در سیاست بین الملل مهم ارزیابی می گردد. دوم با توجه به اینکه کشورهای اروپایی در مجموع روابط گسترده ای با جمهوری اسلامی ایران دارند، از جنبه کاربردی بسیار مهم است که ما نقش شریک تجاری، اقتصادی، صنعتی و نیز همسایه بزرگ خود را در معادلات جهانی رصد کرده، زیر نظر بگیریم.

#### ۵- تعریف مفاهیم

۱- ۱۱ سپتامبر: ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با حادثه تروریستی انفجار ساختمانهای تجارت جهانی منسوب به گروه القاعده در نیویورک شناخته می شود. اگر چه این واقعه تا کنون به عنوان مهمترین واقعه آغاز هزاره سوم شناخته شده است ولی اهمیت واقعی آن به لحاظ تحول اساسی در مفهوم امنیت است. چرا که با این واقعه، به جای بازدارندگی که پس از جنگ جهانی دوم در کانون توجه قرار گرفت،

تروریسم، خطر اشاعه سلاحهای هسته ای و امکان دستیابی گروههای تروریستی به چنین سلاحهایی و رواج نوع خاصی از رادیکالیسم و افراط گرایی مذهبی که نظم بین المللی را با تهدید مواجه می کند مورد توجه قرار گرفت.

۲- تروریسم: یک مشکل اساسی در زمینه مطالعه و تحلیل تروریسم بین المللی معاصر، نبودن تعریفی کاربردی از این نوع فعالیت است. علیرغم چندین دهه از وجود نوشته های آکادمیک درباره این موضوع، هیچ تعریفی که پذیرش همگانی داشته باشد برای آن یافت نشده است. برخی نویسندگان این "معضل تعریفی" را با هواداری از بسط یک تعریف نهایی و همگانی و جامع، دامن زده اند. دیگران بر ایجاد اصطلاحات تخصصی، مانند واژه فراملی، اصرار ورزیده اند که هر قدر هم دقیق باشند، طنین عمومی اندکی داشته و یا بدون انعکاس بوده و در اغلب موارد صرفاً برای عده خاصی مفهوم دارد. تأثیر فلج کننده این مناقشه تعریفی به ظاهر بی پایان، در ناتوانی مداوم نهادهایی مانند سازمان ملل منعکس گردیده به گونه ای که پس از سه دهه مشاوره، هنوز به اجماعی در زمینه تعریف آن نرسیده است. سازمان ملل علیرغم قطعنامه ها و کنوانسیونهای بین المللی متعدد، در این زمان، از این واقعیت، کناره می جوید که رسیدن به تعریفی مشترک [در این باره] ناممکن می باشد [به عنوان مثال] پس از بیش از یک دهه از کاربرد تعریف مشابهی در مورد تروریسم بین المللی، تصویب قانون جدید ضد تروریستی ایالات متحده در سال ۱۹۹۵ موقتا متوقف گردید. دلیل این امر بر طبق گفته هنری هاید رییس کمیته قضایی مجلس نمایندگان و یکی از حامیان این قانون، "تعریف موسع" این قانون از تروریسم بود. ولی به هر حال در تعریف تروریسم یکی از جامع ترین تعاریف آکادمیک از تروریسم که مکرراً نقل شده تعریف آلکس پ. اشمید می باشد. اشمید که از مساعدت بیش از پنجاه دانش پژوه در بسط و پالایش تعریف خود بهره برده است، نتیجه می گیرد که: تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل

سلیقه‌ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروه‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. در تعریفی دیگر وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۸۳ این تعریف را به کار می‌برد: واژه تروریسم به معنای خشونت عمدی و با انگیزه سیاسی است که علیه اهداف غیر رزمنده توسط گروه‌های فراملی و یا عوامل پنهانی و معمولاً با قصد نفوذ در مخاطبان صورت می‌گیرد. ولی با تلفیق تعاریف قبلی از تروریسم این تعریف به دست می‌آید: کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی به همراه قصد ارعاب، به وسیله عاملان غیردولتی، که بر بیش از یک دولت اثر می‌گذارد (جی بدی، ۱۳۸۴: ۵).

۳- فراآتلانتیک: فراآتلانتیک مفهومی است که به مناسبات و تعاملات دولتهای واقع در دو سوی اقیانوس اطلس اطلاق می‌گردد. بدین ترتیب دامنه شمول آن چه از جهت موضوعات فی مابین دولتها و چه از جهت کشورهایی که در حوزه تعریف این واژه قرار می‌گیرند بسیار گسترده است. در این مفهوم در یک سو ایالات متحده آمریکا و کانادا و در سوی دیگر کشورهای اروپایی و حتی چین و ژاپن قرار می‌گیرند. در تحقیق حاضر آنچه مد نظر است روابط بین ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی در حوزه ناتو پس از حوادث یازده سپتامبر در دوره جورج بوش است.

۴- یک‌جانبه‌گرایی: مفهوم یک‌جانبه‌گرایی که ترجمه لغت لاتین unilateralism می‌باشد، بیانگر یکی از شیوه‌هایی است که دولتها جهت سازماندهی قدرتشان مورد استفاده قرار می‌دهند تا با تحصیل حداکثر منافع و تأمین حداکثر امنیت از قدرت و تهدید سایر دولتها در امان باشند. یک‌جانبه‌گرایی در مقابل مفهوم چندجانبه‌گرایی قرار می‌گیرد که بر حسب اتحاد دولتها جهت نیل به اهداف مشترک تعریف می‌گردد. لذا یک‌جانبه‌گرایی سیاستی است که بر پایه آن یک دولت جهت تأمین منافع ملی اش، تنها بر منافع خود تکیه می‌کند (امام جمعه زاده، ۱۳۸۵: ۵-۳۶۴).

۶- روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی تحلیلی است. در این روش محقق به بررسی آنچه که هست، توجه دارد و آن را توصیف و تفسیر می کند. در این تحقیق تأثیر یک جانبه گرایی ایالات متحده آمریکا و عضویت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی متمایل به آمریکا در اتحادیه اروپا و ناتو به عنوان متغیر مستقل، بر جایگاه اروپا در ناتو به عنوان متغیر وابسته توضیح داده می شود. به طوری که اعمال سیاستهای یک جانبه گرایانه آمریکا و برتری وزنه آمریکا با پذیرفته شدن عضویت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی متمایل به آمریکا در اتحادیه اروپا، کاهش نقش اروپا را در فرآیندهای تصمیم سازی، عملیتهای خارج از محدوده و عملیتهای صلح سازی و صلح بانی ای که ناتو به عنوان ابزار نظامی مورد استفاده است آشکار می کند. شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و به طور مشخص، فیش برداری و رجوع به اینترنت می باشد. همچنین مراجعه به مجلات، و روزنامه ها هم از طریق اینترنت صورت گرفته است.

## ۷- مشکلات و موانع تحقیق

از آنجا که موضوع پژوهش در ارتباط با مسائل مربوط به یک سازمان نظامی امنیتی چند ملیتی است و اطلاعات، اهداف و برنامه های آن برای دوره های خاص زمانی سری می باشد، دستیابی به این اطلاعات که بر غنای مطلب می افزاید غیر ممکن است. از دیگر مشکلات، کمبود کارهای انجام شده به زبان فارسی است و به همین علت نگارنده باید به ترجمه متون لاتین پردازد که خود نیازمند صرف وقت و انرژی بسیار است.

## ۸- سازماندهی تحقیق

این تحقیق در شش فصل سازماندهی شده است. در فصل اول به عنوان مقدمه به کلیاتی چون بیان مسأله، سؤال، فرضیه، پیشینه تحقیق، اهداف و ضرورتهای تحقیق، تعریف مفاهیم، مشکلات و موانع، روش پژوهش و سازماندهی آن پرداخته شده است. فصل دوم به چهارچوب نظری نواقح گرایي منطبق با مقتضیات سیاسی دوره

مورد مطالعه می پردازد. فصل سوم روابط فراآتلانتیک در دو دوره پیش و پس از حوادث یازده سپتامبر را مورد بحث قرار می دهد. روابط قبل از یازده سپتامبر صرفاً برای درک بهتر سابقه این روابط است و به گزیده ای از این روابط بسنده می شود ولی روابط فراآتلانتیک پس از یازده سپتامبر، به طور مفصل به راهبردها، برنامه ها، تواناییها، کاستیها، انتظارات و چالشهای دو سوی آتلانتیک می پردازد. فصل چهارم تأثیر یک جانبه گرایی آمریکا بر جایگاه اروپا در ناتو را با بیان شاخصها، اقدامات و علل یک جانبه گرایی آمریکا مورد بحث قرار می دهد. فصل پنجم تأثیر عضویت کشورهای اروپای مرکزی و شرقی در اتحادیه اروپا را به بحث می گذارد. در این بین با بیان نقش آمریکا در گرایش کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به عضویت در اتحادیه اروپا، تأثیر عضویت این کشورها را هم در اتحادیه اروپا و هم در ناتو بر همگرایی آنها با آمریکا توضیح می دهد. فصل ششم با عنوان کاهش نقش اروپا در ناتو پس از حادثه یازده سپتامبر با بیان راهکارهای اروپایی برای برخورد با چالشهای جهانی که منطبق با فضای نواقح گرایانه حاکم در دوره مورد مطالعه نمی باشد سه شاخص کاهش نقش اروپا در عملیتهای خارج از محدوده، کاهش نقش اروپا در تصمیم سازی و کاهش نقش اروپا در عملیتهای صلح بانی را به عنوان نشانه های کاهش جایگاه اروپا در ناتو توضیح می دهد. در پایان پس از نتیجه گیری فهرست منابع و مآخذ معرفی می گردد.

## فصل دوم

### چهارچوب نظری: نوواقع گرایی

برای یک شناخت اصولی از موضوع و با در نظر گرفتن جایگاه ویژه بازیگران مد نظر در این پژوهش یعنی اروپا و آمریکا در عرصه بین الملل، باید از بین تئوریهای گوناگون یک چهارچوب نظری شایسته برگزیده شود. در تطبیق چهارچوب نظری منتخب با موضوع تحقیق لازم است توجه شود که مزیت نسبی آمریکا در عرصه بین الملل تکیه بر قدرت نظامی است. از سوی دیگر برخی نظریه پردازان معتقدند که اروپا باید از بین سه رویکرد "قدرت مدنی"، "قدرت نظامی" و رویکرد "تلفیقی" از این دو رویکرد، رویکرد قدرت نظامی را برگزیند. ولی



همانها ادعا می کنند که اتحادیه اروپا در شکل فعلی خود به علت اختلافات درونی و عدم برخورداری از نیروی نظامی و دفاعی شایسته، قادر به ایفای نقش موثری در سیاست بین الملل نیست و چنانچه این اتحادیه در صدد ایفای چنین نقشی در عرصه جهان باشد باید این دو کاستی را بر طرف سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۹۲). با این اوصاف می توان نتیجه گیری کرد که مزیت نسبی اروپا تکیه بر قدرت هنجاری است و از آنجا که نقش قدرت نظامی در ساختار کنونی نظام بین الملل بویژه پس از یازده سپتامبر بسیار پررنگ تر می باشد، الزامات ناشی از این آگاهی برای یافتن یک چهارچوب تئوریک شایسته از بین تئوریهای گوناگون ما را به سوی استفاده از چهارچوب نظری نواقع گرایی رهنمون می گردد.

#### ۱- خاستگاه نواقع گرایی

برای شناخت واقع گرایی سیاسی یک بازنگری مختصر در اصول ششگانه واقع گرایی سیاسی می تواند مقدمه خوبی برای درک بهتر نواقع گرایی باشد چرا که این واقع گرایی سیاسی است که خاستگاه اصلی نواقع گرایی می باشد:

۱- واقع گرایی سیاسی بر این باور است که سیاست همانند جامعه مشمول قوانین عینی است که ریشه در نهاد بشر دارند. این قوانین را باید شناخت و واقع گرایی می تواند با توسعه نظریه عقلانی این قوانین را بیان کند. سرشت بشر - که خاستگاه قوانین سیاست است - از زمانی که مکاتب فلسفی کلاسیک چین، هند و یونان می کوشیدند این قوانین را کشف کنند تغییری نکرده است. از سوی دیگر واقع گرایی سیاسی بین حقیقت و عقیده یا به عبارتی بین حقایق عینی و قضاوت ذهنی قائل به تمایز است. بنابر این نه تازگی الزاماً فضیلت نظریه سیاسی است و نه قدمت، نقیصه آن. مثلاً این واقعیت که نظریه ای سیاسی صدها یا حتی هزاران سال پیش مطرح شده (مانند نظریه موازنه قوا) این فرض را بوجود نمی آورد که

نظریه مزبور منسوخ و مطرود شده است.رها کردن چنین نظریه ای به عنوان "پسند روز" یا "مد روز" به مثابه آن است که فرض کنیم در مسائل سیاسی از عقیده می توان سخن گفت و نه از حقیقت.

۲- راهنمای اصلی که به واقع گرایی سیاسی کمک می کند تا راهش را در عرصه سیاست بین الملل بیابد، مفهوم منافع است که در چارچوب قدرت تعریف می شود. این مفهوم سیاست را به عنوان گستره ای رفتاری و ادراکی مستقل از سایر گستره ها، مانند اقتصاد ( که با مفهوم منافع در چارچوب ثروت درک می شود )، اخلاق، زیبایی شناسی، یا مذهب، مطرح می کند. در واقع گرایی سیاسی در سایه توجه به منافع، انگیزه ها و اولویتهای ایدئولوژیک، نیت پاک، شخصی کردن مشکلات و ربط دادن آن به فرد خاصی، خرافه گرایی و عقاید فلسفی و سیاسی یک دولتمرد مردود تلقی شده و تعارض ساختار روابط بین الملل با واقعیتهای سیاست بین الملل از دیده ها پنهان نمی ماند با این توضیح که همه دولتها در ساختار روابط بین الملل مساوی هستند اما واقعیت سیاست بین الملل تحت سلطه عدم تساوی دولتهاست.

۳- واقع گرایی چنین فرض می کند که مفهوم اصلی و کلیدی آن، یعنی منافع در چارچوب قدرت، مقوله ای عینی است که اعتباری عام دارد. منافع به واقع در ذات سیاست است و تحت تاثیر شرایط زمانی و مکانی قرار نمی گیرد. به بیان توسیدید " وحدت منافع قطعی ترین عامل پیوند در روابط میان دولتها و همچنین میان افراد است ". آنچه در مورد خصیصه عمومی روابط بین الملل صحت دارد، در مورد دولت ملی به عنوان مرجع نهایی سیاست خارجی نیز صدق می کند. واقع گرا در حقیقت بر این باور است که منافع، معیاری همیشگی برای داوری در مورد رفتار سیاسی و هدایت آن است.

۴- واقع گرایی سیاسی از اهمیت اخلاقی رفتار سیاسی و همچنین تنش اجتناب ناپذیر موجود میان احکام اخلاقی و آنچه برای رفتار سیاسی موفق لازم است، آگاهی دارد. در واقع گرایی مبانی اخلاقی عام به شکل عام یا انتزاعی آنها قابل سازگاری و تعمیم به رفتار دولتها نیست (منظور اینکه باید پیامدها را مد

نظر داشت). اخلاق رفتارها را به طور انتزاعی و بر اساس انطباق آن با موازین اخلاقی ارزیابی می

کند، اما اخلاق سیاسی در مورد رفتار سیاسی بر اساس پیامدهای سیاسی آن قضاوت می نماید.

۵- واقع گرایی سیاسی از یکی دانستن آرزوهای اخلاقی یک ملت خاص با قوانین حاکم بر جهان اجتناب

می کند. چون همه ملتها و سوسه می شوند آرزوهای خاص خود را در لفافه اخلاقی عام پیوشانند و غالباً

هم نمی توانند برای مدتی طولانی در مقابل این وسوسه مقاومت کنند. این یکی دانستن از نظر سیاسی

زیان بخش است، زیرا- تحت عنوان اصلی اخلاقی، آرمانی برتر، یا حتی به نام خود خداوند- باعث

صدور حکم اشتباهی می شود که با جنگ صلیبی کور و آشفته ای، ملتها و تمدنها را از بین می برد.

پس توجه به منافع در چارچوب قدرت از افراط اخلاقی و نادانی سیاسی جلوگیری می کند.

۶- دفاع واقع گرای سیاسی از استقلال گستره سیاسی. از نظر فکری، همانگونه که اقتصاد دانان، حقوق دانان،

و علمای اخلاق گستره های اقتصاد، حقوق و اخلاق را حوزه های علمی مستقلی می دانند، متفکر واقع گرای

سیاسی نیز از استقلال گستره سیاسی حمایت می کند. واقع گرای سیاسی از وجود و اهمیت معیارهای فکری غیر

سیاسی بی خبر نیست. اما او به عنوان یک واقع گرای سیاسی صرفاً می تواند معیارهای دیگر (اخلاق، اقتصاد و

حقوق) را **تابع** معیارهای سیاسی قرار دهد. وقتی سایر مکاتب، معیارهای فکری مناسب با سایر گستره ها را به

گستره سیاسی **تحمیل** می کنند، او از آنها جدا می شود. در اینجا است که واقع گرایی سیاسی با "رهیافت

اخلاقی-حقوقی" در سیاست بین الملل مخالفت می کنند (جی. مورگنتا، ۱۳۸۴: ۵-۲۱).

در بسط تئوری سیاست بین الملل، نئورئالیسم مانند رئالیسم انگاره اساسی سیاست زور را ابقا می کند. اما در آن

ابزارها و فرجامها همانند دلایل و نتایج به طور گوناگونی از نظر گذرانیده می شوند. به عنوان مثال مورگنتا معتقد

است اگر چه سیاستمدار عقلایی هر قدر که می تواند تلاش می کند تا قدرت بیشتر و بیشتری انباشته کند، او

قدرت را به خودی خود یک هدف در نظر می گیرد. در مقابل نئورئالیسم قدرت را به عنوان یک ابزار مفید می

بیند که دولتها چه به میزان خیلی کم چه به میزان خیلی زیاد از آن برخوردار باشند با آن خطرات را اداره می

کنند. ضعف بیش از حد ممکن است بیش از آنی که یک قدرت برتر می تواند یک دشمن را از تهاجم منصرف سازد، محرک یک تهاجم باشد. قدرت بیش از حد هم ممکن است دیگر دولت‌ها را به افزایش تسلیحات و تشریک مساعی بر ضد دولت مسلط برانگیزد. برای اینکه قدرت ابزاری مفید است، دولتمردان معقول می‌کشند تا میزان شایسته‌ای از آن را در اختیار داشته باشند. با این حال در موقعیتهای وخیم، نگرانی‌های دولتها برای امنیت است نه قدرت (N. Waltz, ۱۹۸۸: ۶۱۶). این نوع نگرش به مقوله قدرت و امنیت بیانگر آن است که نواقعی گرایي در صحنه سیاست بین الملل بیشتر میل به اتخاذ یک رویکرد تدافعی دارد تا تهاجمی.

نواقعی‌گرایی با ترسیم تصویری کل نگر از نظام سیاسی بین المللی که بر اساس آن سطح ساختاری و سطح واحدهای آن همزمان مجزا از هم و مرتبط با هم هستند استقلال سیاست بین الملل را محرز و بدین ترتیب، نظریه پردازی در باره آن را امکان پذیر می‌سازد. نواقعی‌گرایی مفهوم ساختار نظام را بسط می‌دهد که در آن واحد هم موضوع مطالعه محققان سیاست بین الملل را مرز بندی می‌کند و هم آنان را قادر به درک چگونگی تاثیر گذاری ساختار نظام و انواع آن بر واحدهای متعامل و نتایج حاصل از تعامل آنها می‌سازد. در باره ساختار هم باید گفت ساختار نظام، برخاسته از تعامل دولتهاست و در گام بعد آنها را از اتخاذ برخی اقدامات باز می‌دارد و به سوی برخی دیگر سوق می‌دهد. مفهوم ساختار هم بر این واقعیت پایه می‌گیرد که واحدهایی که به نحو متفاوتی کنار هم چیده و با هم تلفیق شده باشند رفتار متفاوتی خواهند داشت و با تعامل با هم نتایج متفاوتی به بار خواهند آورد. ساختارهای بین المللی نخست بر اساس اصل سازمان دهنده نظام که در مورد نظام بین المللی، اقتدار گریزی است و دوم بر پایه توزیع تواناییها میان واحدها تعریف می‌شوند. در یک حوزه اقتدار گریز، ساختارها بر حسب واحدهای اصلی شان تعریف می‌شوند و ساختارهای بین المللی با تغییر چشمگیر شمار قدرتهای بزرگ تغییر می‌یابند (لینکلتر، ۱۳۸۶: ۱۷). از اینرو در کانون توجه قرار گرفتن ساختار در نواقعی‌گرایی است که بیش از هر چیز باعث جدایی نواقعی‌گرایی از واقع‌گرایی می‌شود. و بیان لینکلتر در کتاب خود تایید کننده همین مطلب است که می‌نویسد، رویکرد واقع‌گرایی